

39054 - نماز جمعه برای همه‌ی کسانی که در شهر یا روستا هستند واجب است؛ حتی اگر اذان را نشنوند؟ اگر به سبب دوری از مسجد در شهری که زندگی می‌کنم، صدای اذان را نشنوم، آیا نماز جمعه و جماعت بر من واجب است؟

سوال

نماز جمعه برای همه‌ی کسانی که در شهر یا روستا هستند واجب است؛ حتی اگر اذان را نشنوند؟ اگر به سبب دوری از مسجد در شهری که زندگی می‌کنم، صدای اذان را نشنوم، آیا نماز جمعه و جماعت بر من واجب است؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

نماز جمعه از شعائر اسلام و فرایض بزرگ آن است و پیامبر ﷺ تارک آن را شامل وعید قرار داده و فرموده است: **هرکس سه جمعه را از روی سستی و بی‌اهمیتی ترک کند، خداوند بر قلب وی مهر می‌کوبد** ابوداود (۱۰۵۲) و نسائی (۱۳۶۹) و ابن ماجه (۱۱۲۶). آلبانی در صحیح ابی‌داود این روایت را صحیح دانسته است.

نماز جماعت بر هر مرد توانایی که صدای اذان را بشنود واجب است. ادله‌ی بسیاری بر وجوب نماز جماعت دلالت دارد که می‌توانید آن را در پاسخ سوال شماره‌ی (120) ببینید.

منظور از شنیدن اذان آن است که انسان بتواند صدای اذان معمولی را که موزن با صدای بلند و بدون بلندگو می‌گوید در حالت عادی یعنی بدون وزش باد و سر و صدا و دیگر عوامل موثر، بشنود. مراجعه کنید به سوال شماره (21969) و سوال شماره (20655).

این درباره‌ی نمازهای پنجگانه با جماعت است، اما مورد نماز جمعه تفاوت دارد. فقها می‌گویند: برای همه‌ی کسانی که در شهر یا روستایی هستند که نماز جمعه در آن برگزار می‌شوند - چه اذان را بشنوند و چه نشوند - واجب است که در آن شرکت کنند.

اما درباره‌ی کسی که در بیرون از شهر است یا در روستایی است که نماز جمعه ندارند، اختلاف است:

برخی از فقها گفته‌اند: اگر صدای اذان شهر یا روستا [که به آنان نزدیک است] را شنیدند، شرکت در نماز جمعه برایشان

واجب است، و اگر نشنوند واجب نیست. این مذهب شافعی و قول محمد بن حسن [از امامان مذهب ابوحنیفه] است که فتوای حنفیه بر آن است.

برخی دیگر گفته‌اند: اگر میان آن‌ها و جایی که نماز جمعه در آن برگزار می‌شود بیش از یک فرسخ مسافت است، جمعه برایشان واجب نیست، و اگر یک فرسخ یا کمتر است، واجب است. این مذهب مالکیه و حنبلی‌ها است.

برخی هم گفته‌اند: برای کسی که بتواند در نماز جمعه حاضر شود و پیش از شب به نزد خانواده‌اش برگردد واجب است. این رای را ابن منذر از ابن عمر و انس و ابی‌هریره و معاویه و حسن بصری و نافع و عکرمه و عطاء و حکم و اوزاعی و ابو‌ثور روایت کرده است.

به حکم کسی که خارج از شهر یا روستا هست اشاره کردیم زیرا برخی از مردم گمان می‌کنند این اختلاف در مورد کسانی است که داخل شهر هستند، در حالی که این گمانی اشتباه است.

امام نووی رحمه الله می‌گوید: **شافعی و اصحاب وی گفته‌اند: اگر در شهری چهل نفر یا بیشتر از اهل کمال موجود باشند، جمعه بر همه‌ی اهالی آن واجب می‌شود، حتی اگر شهر فرسخ‌ها وسیع باشد، و فرقی نمی‌کند که صدای اذان را بشنوند یا نه؛ و [علما] بر این اجماع دارند المجموع (۴/ ۳۵۳).**

مرداوی در الانصاف می‌گوید: **محل اختلاف درباره‌ی اندازه‌گیری با فرسخ یا امکان شنیدن اذان، یا رفتن و برگشتن در همان روز، برای کسی است که در روستایی زندگی می‌کند که تعدادشان به اندازه‌ی نیست که شرط صحت جمعه است (یعنی آنقدر کم هستند که نمی‌توانند جمعه برگزار کنند) یا کسی که در خیمه [و در صحرا] زندگی می‌کند و مانند این، یا مسافری که مسافت سفرش کمتر از مسافت قصر است. اختلاف درباره‌ی این موارد است؛ اما کسی که در سرزمینی زندگی می‌کند که جمعه در آن برگزار می‌شود، شرکتش در نماز جمعه لازم است، حتی اگر [شهر آنقدر بزرگ باشد که] فاصله‌اش با محل برگزاری نماز جمعه فرسخ‌ها باشد، و چه صدای اذان را بشنود یا نشنود و چه ساختمان‌های شهر به هم متصل باشد یا نباشد؛ بلکه کافی است نام یک شهر بر همه‌ی مناطق آن باشد.**

مراجعه کنید به: **مجمع الأنهر (۱/ ۱۶۹)، حاشیه‌ی العدوی علی شرح الرسالة (۱/ ۳۷) و کشاف القناع (۲/ ۲۲).**

حاصل اینکه: کسی که در شهری ساکن است جمعه بر وی واجب است و فرقی نمی‌کند صدای اذان را بشنود یا نشنود و در این باره میان علما اختلافی نیست.

اما اختلاف درباره‌ی معنای **شهر** است؛ یعنی در مواردی که مزارع میان محله‌های آن فاصله بیندازد. اینجاست که برخی از علما گفته‌اند: **اگر شهر از هم جدا باشد و مزارع میان [محله‌های] آن فاصله اندازد، هر محله به عنوان شهر مستقلی خواهد بود.**



شیخ ابن عثیمین پس از نقل این قول می‌گوید: اما صحیح آن است که تا وقتی که اسم واحدی بر آن [محلها] اطلاق شود، یک شهر به حساب می‌آید. یعنی اگر فرض کنیم که این شهر بزرگ شود و به هم پیوسته شود و هر گوشه‌ی آن امیال یا فرسخ‌ها از هم فاصله بگیرد باز هم یک شهر به شمار می‌آید و شرکت در جمع‌ه‌ی آن همانطور که بر بخش شرقی آن واجب است بر غرب و شمال و جنوب آن نیز واجب خواهد بود، زیرا یک شهر است. الشرح الممتع (۵/ ۱۷).